

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۳ برابر با ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲۵

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و فنگین است

وضعیت کنونی آموزش، در تمام سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی آنرا در یک کلام می توان فاجعه نامید. عملکرد عامل جمود فکری و ابتذال اندیشه سرمداران جمهوری اسلامی در هماهنگی با سیاست خدایت با مردم و خمدلت سردوئری، در محیطهای آموزشی، بدلیسل نشور بیفکنیم.

روز اول مهر ماه مصادف با آغاز سال تحصیلی است. علاوه بر مدارس مطابق اعلان تقویم دانشگاهی، کلاسهای دانشگاه ها نیز در این روزها گشوده خواهند گشت. بی مناسبت نیست در آغاز سال تحصیلی ۶۴-۶۳ نگاهی به وضعیت عمومی آموزشی و محیطهای آموزشی نشور بیفکنیم.

بقیه در صفحه ۴

موتک بر جنگ! زنده باد صلح!

در این هفته، آغاز پنجمین سال جنگ توسط مرتجعین حاکم جشن گرفته می شود. چهار سال خون و درد و ویرانی، چهار سال آوارگی و فلاکت برای توده های مردم توسط آنانی که این جنگ مصیبتبار را رخصت و نعمت الهی می دانند جشن گرفته می شود. اما مردم با اندوه فراوان... شماره کردن آن همه رنجهایی میپردازند که در این سالهای طولانی جنگ متحمل گشتند. وقتیکه در آن روز پایان تابستان ۵۹ هواپیماهای عراقی با پرواز بر فراز تهران و دیگر شهرهای ایران و با پرتاب بمب و راکت آغاز جنگ را اعلام داشتند، همان نبرفت که جنگ این در صفحه ۲

نامه یک کارگر: "این دولت نوکر مستکبران است، نه حامی مستضعفان!"

وزیر خارجه پاکستان:
"هدف نهایی ایران و پاکستان یکی است"
بعد از انقلاب بهمن ۵۷ و سقوط رژیم شاه، آمریکا یکی از وفادارترین دولت های دست نشانده خود را از دست داد. و از همین رو بلافاصله دست به کار شد تا خلاصه به وجود آمده در منطقه را با جایگزین ساختن ضیا الحق به جای شاه معدوم، پرکند آمریکا با توجه به تقابل جمهوری اسلامی با افغانستان انقلابی پی برده بود که با محور کردن مساله افغانستان در منطقه خیلی سریع می تواند به این هدف نیز دست یابد که رژیم حاکم بر میهن ما را با پاکستان

اعلامیه مشترک حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق

انعکاس مواضع سازمان
در مورد جنگ،
در نشریات مترقی

از پناهندگان سیاسی ایرانی در پاکستان، پشتیبانی کنیم

جنایات رژیم جمهوری اسلامی، باعث آوارگی تعداد بسیاری از هم میهنان ما گشته است. پناهندگان سیاسی ایرانی، بویژه در کشورهای ترکیه و پاکستان در شرایط بسیار اسفباری به سر می برند. گسترش همکاری جمهوری اسلامی با ترکیه و پاکستان باعث گشته است دم به دم بر روی پناهندگانی که ناچارند در کوتاه مدت یا درازمدت در این کشورها

اوج گیری پیکار مردم فیلیپین در راه سرنگونی دیکتاتوری ماركوس

فیلیپین، کشوری که از مجمع الجزایری واقع در جنوب خاوری آسیا واقع شده و ۵۰ میلیون تن جمعیت دارد، این روزها دستخوش ناآرامی است. ۱۹۰ سال حکومت ماركوس، دیکتاتور فیلیپین، این کشور را در ورطه وابستگی

ابراز همبستگی بامبارزات مردم ایران در جشنهای محلی حزب کمونیست فرانسه

در صفحه ۹

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

مرگ بر جنگ!

بقیه از صفحه اول
همه در پریا شود. اما همه میدانستند که در قبال آن چه باید کرد. یکپارچه وی تردید به مقابله با آن برخاستند و با همه آنچه که داشتند در راه حفظ انقلاب و میهن بپا خاستند در جبهه و کارخانه، در روستا و مدرسه، در خیابان و اداره چنان عزم استواری در راه دفع تجاوز دیده میبند که کمانی برای پایداری متجاوزین برجا نمیگذاشت. از این روز مردم مطمئن بودند که جنگ و تجاوز پر دام نخواهد بود و اراده مصمم مردم صلح را تأمین خواهد کرد. اما اکنون پس از گذشت ۴ سال، مردم شاهدند که با وجود دفع قهرمانانه تجاوز، عفریت جنگ همچنان نفیر می کشد، همچنان جوانان کشته میشوند، همچنان ویرانی بسیار می آید و همچنان ثمره رنجشان را در دیده و هیبه شعله رماندن آتش جنگ می سازند.

با مقاومت پرشکوه مردم برای اینک تجاوز آمریکا رژیم عراق دفع شود، به زمان بسیاری احتیاج نبود. اگر حکومت شایستگی بسیج مردم متحد را میداشت، دفع تجاوز بسیار زودتر از آن زمانی که انجام شد، صورت میدیافت. اما با وجود ناتوانی حکومت و با وجود تشتتی که ارتجاع در درون صفوف خلق پدید می آورد و ۰۰۰ بازمه پس از یکسال و نیم متجاوزین رانده شدند و شرط اصلی برقراری صلح تأمین کردید.

در اوائل سال ۶۱ با فتح خرمشهر، مردم میهنان صلح و پیروزی را در مشت خود میدیدند. سرور فتح خرمشهر با سرور امید به برقراری صلح درهم آمیخت. اما رهبران جمهوری اسلامی همچنان بر تداوم و گسترش

زنده باد صلح!

جنون آمیز جنگ پای فشرده در طول دو سال و نیم بعد از فتح خرمشهر سردمداران حکومت حملات گسترده و متحدی را به حساب مردم طراحی و اجرا کردند که همه آنها به شکست انجامید. در پی هر حمله موجی از دروغبافی های مکرر در اثبات "پیروزی های لشکر اسلام"، "عوامفریبی در توجیه شکستها"، "بده برای حمله آخر و تمام کننده و ... و نتیجه شجانه دهها هزار جوان بود، افکنده در باطلها و بیابانهای نواحی مرزی، مرتجعین بر فراز این مصائب و فجایع راه خود را هموار می کردند و کیسه حوش را می دوختند. آنان از همان آغاز پائیز ۵۹ کوشیدند کار سرکوب آزادیهایی دموکراتیک را به بهانه جنگ شتاب دهند. اربانهایی سرکوبگر و تازه پای حکومتی را که چندان بفرمان نبودند، تجدید سازماندهی کرده و به ابزارهایی بی شعور و اراده بسدل سازند. آنان کوشیدند که مصوبات مربوط به اصلاحات ارضی را که با فشارهای عظیمی تحمیل شده بود معلق گذارند تا سرآغاز تدفین همه برناهاهایی شود که میبایست برای مهار بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری انجام میشد. و باز با آجرهایی از خون و درد مردم کوشیدند دیواری بسازند که تدریجا مناسبات و معاملات خارجی جمهوری اسلامی تدریجا از دید توده ها پنهان ماند تا زمینه چرخش آن بسود مرتجعین فراهم آید و چنین نیز شد. برای تأمین تسلیحات آمریکایی که "از نان شب واجبتر" نامیده شد راه مغازه با "شیطان بزرگ" گشوده کشت، غارتگری تجار بزرگ و البته "محتسرم" و سودهای حاصله از شرایط جنشی آن چنان عظیم و ارقام آن نجومی بود که حتی دیگر

مرتجعین را به تحیر واداشت. از زبان همانها بود که اعلام گشت سود تجار بزرگ در ایام چند ساله با اندازه همه آن سودی است که در طول سلطنت پنجاه ساله پهلوی برده بودند و ...

چگونه مرتجعین می توانستند از چنین خوار نعمتی دل بکنند؟ هر قطره خونی که بر زمین می ریخت، هر جوانی که برخاک می غلطید و هر بمبی که فرو می افتاد، سود بیشتری نصیب تجار محترم می کرد و باعث خشنودی بیشتر مرتجعین حاکم که قدرت خود را وابسته به جنگ می دیدند، می گشت. و از همینرو هر دهانی را که فریاد صلح می کشید پر از سرب گردند، هر در ریچه ای را که به سوی صلح گشوده می شد، خشمگینانه بستند و موافق امیال امپریالیسم، رساتر بر طیل جنگ کوفتند.

رژیم جمهوری اسلامی سر نوشت خود را با سر نوشت این جنگ گره زده است. آنچنانکه بنیانگذاران می گوید "عزت و شرف ما در گروی این جنگ است" و این سخن سخن درستی است چرا که قطع جنگ بخشی از بی عزتی و بی شرافتی عظیمی را که در تداوم این جنگ ویرانگر بکار رفت عیان می سازد. بخش عمده ای از "بی عزتی و بی شرافتی" رژیم در جریان اصرار آن بر تداوم جنگ آشکار گشته و در صورت قطع جنگ اظهار توبه منالشمع نخواهد کرد. مبارزه بی گیر برای برقرار صلح ضمن اینکه در درجه اول پاسخی است به مصائبی که مردم میهن ما متحمل می شوند از این زاویه نیز اهمیت بسیار دارد.

این شعار را هر چه وسیعتر به میان مردم ببریم. از درون سربازخانه ها و سنگرها گرفته تا صفهای طویل پرگشت و نان، این فریاد را در فضای غم گرفته میهنان طنین افکن سازیم:

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح!

هم میهن!

ادامه این جنگ برای توهیج
سودی ندارد. سود جنگ به جیب
کمپانیهای اسلحه سازی غرب و تجار
بزرگ بازار می رود. ادامه این جنگ
خانمانسوز کشور ما را ویران و جانهای
عزیز فرزندان و خویشان تو را بیشتر بر
باد می دهد. علیه ادامه این جنگ
مصیبت بار و برای بازگرداندن صلح
به میهنمان، با همه توان بکوشیم.

صلح صلح استقلال

صلح صلح آزادی



اعلامیه مشترك حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق

اواخر اوت ۱۹۸۴ (اوایل شهریور ۱۳۶۳) مذاکراتی بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق بعمل آمد. در این دیدار وضع سیاسی جهان، خاور نزدیک، اوضاع دو کشور و روابط دو حزب مورد مذاکره قرار گرفت. مذاکرات در محیطی صمیمی و رفیقانه که حاکی از توافق نظر طرفین بود برگزار شد. اعلامیه مشتركی از طرف دو حزب به تصویب رسید، که در آن گفته می شود:

"خلفهای کشورهای ما، عراق و ایران در نتیجه جنگ آغاز شده از جانب رژیم عراق که به پنجمین سال خود نزدیک می شود، دچار مصائب و فجایع دشتناکی گردیده اند. این جنگ تا کنون برای خلفهای دو کشور صدها هزار کشته و صدها هزار مجروح و غلیل به بار آورده است. جنگ بر اقتصاد دو کشور شدیداً لطمه زده، دهها واحد مهم اقتصادی را که برای ایجاد آنها مدتها وقت و تلاش فراوانی بکار رفته بود ویران کرده است. منابع هسبر دو کشور که مورد نیاز خلفهای ما در امر سازندگی و رفح عقبانندگی است، همچنان رویه ناپودی می رود. دردهای اجتماعی و سطح دائماً در حال تنزل زندگی بدنیال گرانسی تورم و کمبود بسیاری از کالاهای ضروری، از نتایج دیگر این جنگ است."

از این جنگ که چهارمین سالش پیاپیان رسیده است، تنها امپریالیسم جهانی، در درجه اول امپریالیسم آمریکا، سهیونیسم و ارتجاع از جمله ارتجاع ایران و عراق می برند این محافل سعی در فرسایشی کردن و گسترش جنگ در سر تا سر ناحیه خلیج فارس را دارند و این امر کشورهای ما را در معرض خطر تجاوز خارجی از طرف نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و ناتو قرار داده است هر دو حزب ما، بار دیگر قاطعانه طلب

می کنند که به جنگ و مصائب و بدبختیهای که جنگ برای خلفهای ما ببار می آورد، هر چه سریعتر، پایان داده شود. مسئولیت در قبال سرنوشت و منافع خلفهای همسایه ایران و عراق می طلبد که بین دو کشور بر مبنای توافقی عادلانه و دمکراتیک، بسد و الحاق سرزمینهای یکدیگر و بر پایه قبول مرزهای بین المللی موجود تا آغاز جنگ و بر اساس احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حقوق خلفهای دو کشور در انتخاب نظام اجتماعی - سیاسی موافق میل و اراده خود، به این جنگ پایان داده شود."

در اعلامیه هیئتهای نمایندگی مشترك دو حزب برادر را چنین بیان می کنند: "حزب کمونیست عراق کارزار تضييقات و تسرور را علیه حزب برادر، حزب توده ایران قاطعانه محکوم کرده و همبستگی کامل خود را در مبارزه اش بخاطر اهداف عادلانه اعلام می نماید."

"حزب توده ایران همبستگی کامل خود را با حزب برادر، حزب کمونیست عراق، که با وجود تضييقات و ترور خونین، بخاطر تحقق اهداف عادلانه خود مبارزه می کند، ابراز داشت."

هر دو حزب ضرورت تشدید مبارزه علیه نقشه های امپریالیسم در منطقه که با هدف تسلط کامل و تحمیل اراده از طریق توطئه های رنگارنگ و پیش از همه مداخله آشکار نظامی دنبال می شود، خاطر نشان ساختند. ناوگان جنگی کشورهای امپریالیستی در آبهای خاور نزدیک، در خلیج فارس و دریای احمر در رفت و آمدند و صلح و امنیت خلفهای منطقه و صلح جهانی را بمخاطره افکنده اند.

هر دو حزب کارزار ضد شوروی را که توسط محافل امپریالیستی به منظور دامن زدن به هیستری ضد کمونیستی و استفاده از آن بمشابه

سلاح تجاوز بر ضد خلفها و کشورهای منطقه بکار می رود، قاطعانه محکوم می کنند. هر دو حزب همبستگی کامل خود را با مبارزه خلق فلسطین تحت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین، علیه امپریالیسم سهیونیسم بخاطر تحقق حق بازگشت به موطن خود، حق تعیین سرنوشت و تشکیل کشوری مستقل اعلام کردند.

هر دو حزب جانبداری خود را از مبارزه مردم لبنان و نیروهای میهن دوست این کشور بخاطر آزادی سرزمینهای اشغال شده خود از طرف اشغالگران اسرائیلی و نیز بخاطر تحقق برنامه توافق ملی بیان داشتند.

هر دو حزب پشتیبانی خود را از پایداری سوریه در مقابل فشارهای امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، سهیونیسم و ارتجاع اعلام داشتند. هر دو حزب نگرانی خود را از تشدید وخامت اوضاع جهانی که در نتیجه مشی سلطه گرانه امپریالیسم آمریکا از اواخر دهه ۷۰ و جانشین ساختن سیاست مقابله و جنگ، بجای سیاست تشنج زدائی و همزیستی، سلامت آمیز، فراهم آمده است، ابراز داشتند.

مبارزه بخاطر صلح و وظیفه عده همه کمونیستها و همه بشریت مترقی در جهان است. کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آنها اتحاد شوروی در مقابل تجاوز دژ امپریالیسم آمریکا، دژ خلل ناپذیر صلح در جهان هستند. هر دو حزب معتقدند که مبارزه خلفهای ما بخاطر قطع فوری جنگ و از بین بردن کانونهای داغ تشنج، مهم ترین وظیفه ملی ما و خدمت بزرگی به امر صلح در جهان است."

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

از پناهندگان سیاسی ایرانی در پاکستان، پشتیبانی کنیم

بقیه از صفحه اول

گذران می کنند، بی آنکه از جانب مراجع ذیربط بین المللی مورد پشتیبانی قرار گیرند. اکنون مدتی است که تعدادی از هممیهنان ما در پاکستان برای اعتراض به وضعیت خود، در دفتر اسلام آباد سازمان ملل متحصن شده اند. از جانب متحصنین تا کنون بیانیهای مختلفی انتشار یافته است. در یکی از این بیانیها که در تاریخ ۲۹/۸/۸۴ انتشار یافته خواسته های

متحصنین به این شرح اعلام شده است: "۱- تأمین امنیت حتی الامکان کافی و تضمین شدای به صورت های:

الف - از طریق مطمئن ترین شیوه تأمین امنیت که انتقال پناهندگان بکشورهای اروپایی

توهین آمیز U.N نسبت به پناهندگان و تبعیض بین پناهندگان از ملیتهای مختلف ایرانی (بلوچ و غیر بلوچ)

۱- تضمین کافی برای فروش و پخش نشريات گروههای مبارز در محوطه U.N و یا اختصاص مکان مشخص دیگری برای این کار.

۲- اقدام فوری برای آزادی پناهندگان سیاسی مبارز در زندانهای پاکستان. اگر مشکلات و مسائل پناهندگان سیاسی ایرانی بویژه در کشورهای پاکستان و ترکیه وسیعاً در سطح جهان منعکس نگردد و افکار عمومی همه کشورها و مراجع ذیربط علیه تضييقاتی که در حق آنان روا داشته می شود، برانگیخته نشود، فشار بر روی آنان پیوسته بیشتر خواهد شد. به یاری هم میهنان آواره مان پشتابیم، صدای آنان را منعکس سازیم و به هر شکل ممکن در جهت تحقق خواسته های برحقشان بکوشیم.

۳- تسهیل در پذیرش پناهندگان که به معنای برداشتن کلیه موانع و سنگتاشی های قبلی برای صدور کارت پناهندگی و پرداخت کمک هزینه خواهد بود و در همین رابطه، رفح تضييقات

و آمریکایی شمالی است. ب- در غیر اینصورت پذیرفتن "رسمی و قانونی" دولت پاکستان برای تأمین امنیت پناهندگان که طبقاً با الغای قرارداد های رتجائی گذشته در این زمینه می تواند همراه باشد. ۲- افزایش کمک هزینه ناچیز کنونی و یا ایجاد امکانات رفاهی به صورت بهداشت درست امکانات آموزشی لازم و نیز مسکن (کمک هزینه مسکن، ودیعه) بطور اخص.

۳- تسهیل در پذیرش پناهندگان که به معنای برداشتن کلیه موانع و سنگتاشی های قبلی برای صدور کارت پناهندگی و پرداخت کمک هزینه خواهد بود و در همین رابطه، رفح تضييقات

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و نتگین است

بقیه از صفحه اول
ماهیت این محیطها، بسیار بارزتر و برجسته‌تر از سایر بخشها و نهاد های اجتماعی است. اندیشه های علم ستیز و دانش گریز، خرافات پرستی، عزیز و اختناق و تقیید عقاید و آن بر سر مدارش و دانشگاه های ما آورده است که ابعاد فجایع و خیا نتهای انجام یافته و ظنین گسترده کوزر رسوائی عاملین آن تنها فردا، پس از سرزدن روشنائی، تمام و کمال بدوش همگان خواهد رسید. اما اکنون نیز سیاهکارها آنچنان عیان و گسترده است که با هیچ رنگی نمیتوانند این ننگ را بپوشانند. بر زمین سه کشمکش ها بر سر قدرت و برای پوشاندن این سیاهکارهاست که پرورش و نجفی می روند و دیکران می آیند تا چند صباحی دیر نیسز بازی " کی بود؟ کی بود؟ من نبودم " را ادامه دهند. اما برای مردم ما، روزبه روز بیشتر این بازیها بچخانه جلوه می کند.

به برکت سیاستهای فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی، شرح وضعیت موجود در مراکز آموزشی کشور در حد یک مقاله تنها می تواند به ذکر فهرست و ارتباکارها انجام یابد.

در مدارس که از همان او ان پیروزی انقلاب، بدلیل اهمیتی که برای سردمداران جمهوری اسلامی داشت، جولانگاه سیاستهای قشری و انحصار طلبانه و نیز حجتیهای های انگلیسی و امریکایی قرار گرفته بود اکنون وضع بدین منوال است:

بار علمی متون کتابهای درسی به نحو بی سابقه ای کاهش یافته است. کتابهای درسی رژیم پیشین که ضمن انحرافی بودن خود سالها از نیاز جامعه عقب بود اینک جای خود را به متون بمراتب کمتر علمی و بعضا ضد علمی داده است. دروس مربوط به تکامل، بخشهای علمی از زیست شناسی و زمین شناسی بکلی حذف شده است. برخی دروس طبیعی سالهای پائین تر جای خود را به قصه پردازیهای بی معنی داده است. بجای تاریخ معاصر مشتملی دروغ و تحریف تحویل دانش آموزان می شود و قصه های عامیانه و بی پایه بجای تاریخ قرون گذشته عرضه میگردد. آموزش ادبیات فارسی تا حد هیچ نزول کرده، جای آنرا آموزش زبان عربی گفته است. مشتق و اوهام و خرافات در کنار تهمت و افترا بنام تعلیمات دینی ارائه می شود. اگر در علوم تجربی استفاده از روشهای آموزش علمی و کردشهای علمی مرسوم نیست، این زوال شامل تعلیمات دینی نمی شود. بردن گسترده دانش آموزان بر سر چاه چمکران " قم، محل ظهور و خویا باندن دانش آموزان در قبر جهت درک فیض مرگ و ...

دانش آموزان کشود می شوند، آزمایشگاه و سایر وسایل کمک آموزشی لیکر تلفی می شود. لابد بنا بر تفکر اینان لازم نیست "دندان های اسب نمرده شوند". همچنان که پرورش و زیر سابق آموزش و پرورش می گهد: "مساله دیر" طرح تام بود که بصورت آزمایشی در ۲۳ مرکز استان در حال حاضر انجام می نیرد و عبارت است از طرحی که ۰۰۰ دانش آموزان در طول حرکتشان با مباحثه آنطور که در حوزه ها هست، بیشتر خوب بگیرند (کیهان - ۲۴ - مرداد)

" طرح کاد " - کار در حین تحصیل که بر مبنای تفکری ما قبل سرمایه داری تدوین گشته بود و می بایست دانش آموزان یک روز در هفته، توسط و تحت نظارت یکی از افراد فامیل خود به کار در کارگاه های کوچک و واحد های مختلف صنعتی بپردازند، به مضحکه غم انگیزی بدل شده است. صد ها هزار دانش آموز مشمول این طرح یسا عملا به یاد و و ناخرد مغازه ها و کارگاه بسدل شدند و یا از این ساعات بعنوان اوقاتی جهت گریز از محیط حقیقت آور و کسالتبار مدارس استفاده کردند آنچه که کمتر حاصل شد آموزش بار و حرفه مفید اجتماعی است.

کمبود جا و مدرسه که با سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی مسئولین آموزشی ابعساد بیسابقه و قاجعه باری یافته است اینک با ساز شدن هرچه بیشتر دستبهای تولید تجار و سرمایه داران و چنگ اندازی آنان بر محیطهای آموزشی، تندیدمی یابد. بنا بر نوشته اطلاعات ۲ مرداد، تنها " علی ۴ ماهه گذشته ۳۵ حکم تخلیه برای تخلیه مدارس استیجاری صادر کردیده". حتی یک دبستان ۲۰ ساله با ۴۰۰ دانش آموز ثبت نام کرده نیسز از این حکم برکنار نمانده است. ملی شسندن مدارس خصوصی که یکی از ثمرات انقلاب بسود بقیه در صفحه ۵

از نمونه های آن است تلاش برای مغزشویی، کاشتن بذرکین و نفرت نسبت به همه جهانیان، ایجاد اغتشاش فکری و سیاسی در اذهان دانش آموزان از همان آغاز کار دبستان تا پایان دبیرستان جریان دارد. اخراج گسترده معلمین ترقیخواه و میهن پرست یا تجربه، دلسوز و با سواد از یکسو و سپردن امر آموزش به افراد بی تجربه، مخرب و بی صلاحیت و بعضا فاسد از سوی دیگر، در سقوط کیفیت آموزش نقش بارزی داشته است. سطح پائین معلومات دانش آموزان و آمار بسیار بالای تعداد مردودین و تجدید یها بهترین شاخص این امر است.

برنامه ریزی آموزش دبیرستانی کشور، بمراتب بدتر از گذشته، یچگونه نزدیک و مشابهتی با نیازهای واقعی میهن مان ندارد. بطور مثال، طبق آمار ارائه شده در سال تحصیلی ۵۸-۵۷، ۶۱/۶ درصد از دانش آموزان در رشته های فنی و حرفه ای مشغول به تحصیل بودند که این رقم در سال ۶۱ به ۱۵ درصد کاهش یافته است. تعداد دانش آموزان در رشته ریاضی- فیزیک در سال ۶۱، ۱۷،۵۶ درصد کسل دانش آموزان را تشکیل می داده است و در سال ۶۲-۶۱، فقط ۵ درصد این رقم به اعتراف خود پرورش در دفاعیه اش در مجلس در سال ۶۳، ۷ درصد بوده است. بقیه دانش آموزان دوره متوسطه یعنی قریب ۸۰ درصد در رشته نظری تحصیل می کنند.

آموزش عملی و آرایشدهای تا حد زیادی کنار گذاشته شده است. درهای آزمایشگاه ها اکثرا قفل بوده و فقط داهگاهی به منظور تعاشای



جراید رژیم:

بر طبق برنامه تنظیم شده از سوی " کمیته برکنار کننده مراسم هفته جنگ " قرار است در روز دوم این هفته که مصادف با اول مهر است، دانش آموزان در خیابانها راه بیفتند و شعار " جنگ، جنگ تا پیروزی " سردهند!

فرار از جهنم "مجنون"

در هفته جاری رژیم سالگرد جنگ را جشن میگیرد جنگی که برای مردم جز نکت و مصیبت جز ویرانی و کشتار حاصلی ندارد .
سربازان مانند همه مردم صلح می‌خواهند و حاضر به جنگیدن نیستند .

با این مسائل توجه کند . هیچ يك از سربازان روحیه جنگیدن نداشته‌اند . فرماندهان هم به همین ترتیب بودند . همه خسته و مانده بودند . نسه اعتقادی برای جنگیدن داشتند و نه آموزنده



امتناع از خدمت وظیفه و فرار از جبهه فوق العاده افزایش یافته است . به بخشی از نامۀ يك سرباز که دیگر حاضر به جنگیدن نبود توجه کنید :

"... دوره آموزشی ما با این ترتیب بی آنکه چیزی یاد بگیریم پایان رسید . نه کسی علاقه برای یاد گرفتن داشت و نه کسی بود که بخواهد چیزی بما یاد بدهد . وقتیکه نوبت تقسیم مسافر رسید همه صحبت بند (پ) را میکردند . منظور از بند (پ) کسانی هستند که با پول و پارسی به نقاط بی خطر فرستاده میشوند . در یادگان این افراد را سهمیه بند (پ) اسمگذاری کردند . تکلیف وابستگان به رژیم هم روشن بود . آنها بجای اینکه بخاطر عشق به شهادت ! رهنسپار جبهه شوند ، سهمیه واحدهای سیاسی - عقیدتی میشوند و در یادگانها باقی میمانند . در نتیجه من مطمئن بودم که سهمیه جبهه میشوم و شریعت شهادت ! را بزور در گلوئی ما خواهند ریخت . با اعلام نتیجه تقسیم مرا روانه اهواز کردند . پس از ورود به لشکر ۹۲ زرهی اهواز ، واحد ما را بطرف جزیره مجنون فرستادند . گروهانی که میبایست در آن خدمت میکردم تازه تجدید سازمان شده بود و همه افراد شریک تجربه و تعلیم ندیده بودند . هیچ کدام ، سابقه کار با آرپی ، جی ، هفت نداشتیم . قدرت تیراندازی ما زیر صفر بود . اما کسی نبود که

آنها ز دیده بودند .
به منطقه عملیات هم آشنایی نداشتیم . در جزیره با فاصله کمی از ما ، اجساد متعفن شده دهها سرباز بر زمین افتاده بود . امکان جمع آوری آنها وجود نداشت . بخانواده این قبیل سربازان اعلام شده بود که فرزندان جز "مفقود الاثرهاست" ما میدانستیم که با اولین حمله ما هم چنین سرنوشتی را پیدا خواهیم کرد . همه ما از چنین مرگ مزخرفی در هراس بودیم . حتی فرماندهان هم میگفتند که در صورت آغاز نبرد دو سوم ما کشته ، زخمی و اسیر میشویم . نیدانستیم چرا باید ایمن سرنوشت را تحمل کنیم . زندگی در جزیره فقط عذاب بود . گرسنگی ، تشنگی ، همراه با کار طاقت فرسا همراه با فحش و ناسزای فرماندهان و مسئولین ترس دائمی از عقربگزیدگی ، طاقتمان را طاق کرده بود . سنگرهای مادر برابر تیپخانه عراقی ها بدون حفاظ بود . نیروهای خسته و بی روحی ما در حکم سیاهی لشکر بودند و ارزش نظامی نداشتند . با تمرکز فوق العاده نقرات میخواستند این ضعف را جبران کنند . درست و حسابی ما را گوشت دم توپ کرده بودند . فکر کردم مسخره است اگر بمانم و بیخودی در این جوانی بمیرم . تصمیم گرفتم در اولین فرصت فرار کنم و دیگر برنگردم هرچه که میشود بشود . عسکه زیادی از سربازان پیش از من فرار کرده بودند . دیگر برنگشتند حتی افراد سپاه و بسیج هم فرار میکنند . چند تا از درجه دارها هم رفتند و دیگر به جهنم مجنون برنگشتند . نقرات مستقصر در جزیره ، اسم آنها جهنم مجنون گذاشتند . بالاخره نوبت من هم رسید"

جنگ پوچ

جنگجوی بازآمده را پنج بوسه ببخش دخترک !
چرا که پنج سال در جبهه بود و نیافت آنچه را که می جست شاید در انبوه کشته‌ها زندگی را می جست !
یا در انبوه زندگان - مرگ را .
نغمه‌ای کن

تهی دست بازآمده را !
چه بسیار که مرگناه شهیدان را شنود و بد فرمانی فرماندهان را .
بر خیزید !
بر خیزید و بر زمین

شهری زمر دین نقش کنید !
این ، تنها بازمانده آن شهر ویران شده است . به خانه اش در آید این بی خانمان نیارمیده را !
و او را ، از لجنند خوش

خوانی بگسترید .
نیافت آنچه را که می جست شاید در فرمانرو سرهنگان آزادی را می جست .
او را مشتى عود بر آتش نهید تا بوهای خوش را فرا یاد آرد و با او بگوید در هر کجا ، هر کجای جهان آزادی را اگر یافت نام میهن مرا نیز پنهانی ، بد و بیاموزد !
نامی

کارنامه

اینک رسماً فسخ شده است . مدیر دل آموزش و پرورش تهران می نویسد :
"هما نظر که امام امت فرموده است از مردم (اسم مستعار تجار و سرمایه داران) کمک بگیرید و مردم را در نارها شریک کنید ، این شرکت نه تنها در مسائل بازرگانی است بلکه در مسائل فرهنگی هم است " (کیهان - ۲۰ شهریور)
روشن است نتیجه تبعی جنگ اندازی سرمایه داران بر مراکز آموزش متوسطه علاوه بر اضافه شدن عرصه دیگری برای سرکشی کردن مردم تمرکز امکانات آموزشی و دبیران باسواد و مجرب را در مدارس در پی خواهد داشت که تأمین مخارج و شهریه آن از عهده خانواده‌ها می‌زحمتکش خارج است و سدی دیگر به سدهای موجود بر سر راه ورود فرزندان زحمتکش به مراکز آموزش عالی اضافه می شود . همچنانکه در گذشته نیز بیشترین تعداد قبولشدگان در مسابقات ورودی دانشگاهها را دانش آموزان مدارس چون البرز و هدف و خوارزمی و یا دبیرستانهای زنده مراکز استانها تشکیل می دادند . (ادامه دارد)



نامه يك کارگر:

"این دولت نوکر مستکبران است،
نه حامی مستضعفان!"

بقیه از صفحه اول

نامه زیر را يك کارگر مسلمان از طریق یکی از رفقای تشکیلات برای ما فرستاده است. این نامه بازگوکننده کوشه‌هایی از درد و رنج طبقه کارگر، عزم این طبقه برای مبارزه با سرمایه‌داری، و افشاگر چهره کریم رژیم جمهوری اسلامی در پس نقاب دفاع از باصطلاح "مستضعفان" است. در این نامه فقط مقداری اصلاحات املائی و اثنایی مختصر صورت گرفته است، تا کاملاً مفهوم باشد.

دوستان عزیز!

من کمونیست نیستم. اما از همسایان روزهای قیام که از نزدیک با شما آشنا شدم، فهمیدم که کلد پیروزی زحمتکشان در دست شماست فقط شما در دفاعتان از کارگران، صدق هستید. شما را به زندان می‌اندازند و اعدام می‌کنند. اما از خواسته‌هایتان که چیزی جز آزادی ما نیست، دست بر نمی‌دارید. در این چند ساله بعد از انقلاب، ما همه را شناختیم. حال دیگر می‌توانیم تشخیص بدهیم چه کسانی دروغ می‌گویند و چه کسانی روی حرف خود ایستاده‌اند. ما فهمیدیم که همه حرف‌های این جمهوری اسلامی دروغ بود. آنها نوکر مستکبرانند و به دروغ خود را حامی مستضعفان جا می‌زدند. آنها آرام آرام پرده‌ها را کنار زدند و بالاخره معلوم شد فرقتان با رژیم شاه تنها در ظاهر است. آن یکی تاج داشت و این یکی عمامه.

غرض من از نوشتن این نامه آن است که از طریق شما وضع کارخانه میخ سازی پارس را به اطلاع همه برسانم. می‌خواهم نشان بدهم کارگران در جمهوری اسلامی، با چه مصیبت‌هایی دست به گریبانند.

این کارخانه در کیلومتر ۱۲ جاده کرج واقع است. صاحب آن، سرمایه‌دار گردن کلفتی است به اسم حاج آقا سید رضا باقرزاده. حاج آقا چندین کارخانه و باغ و آپارتمان در تهران و شهرهای دیگر نیز دارد. جمع سرمایه‌اش بالای میلیارد است. کارخانه میخ سازی پارس يك کارخانه وابسته است. خیلی از مواد اولیه‌اش را باید از آلمان و کشورهای امپریالیستی دیگر وارد کند. آن زمان که جنگ شده بود این مواد به وفور وارد کشور می‌شد. چرخ کارخانه هم با شتاب می‌چرخید و شیرنجان ما را می‌مکید. حاج آقا باقرزاده از ۲۰۰ کارگری که در کارخانه کار می‌کردند، تا می‌توانست کار می‌کشید. و برای این که

غرفه کرد، که تولید خوب فروش نمی‌رود. همه می‌فهمیدند که این دروغی بیشتر نیست. بازار ایران الان هر چیزی را می‌بلعد و به همین دلیل ما می‌دانستیم که باید کلکی در کار باشد. بعد از عید مطرح شد که جنگ است و مواد خلام وارد نمی‌شود. پیش از ماه رمضان يك بخش از کارخانه را تعطیل کردند و کارگران قسمت توری را که ۲۰ نفر بودند اجباراً به بررسی يك ماهه فرستادند (با حقوق ماهیانه ۲۳۰۰ تومان) در حالی که حداقل کرایه خانه ۲۵۰۰ تومان است (در ماه رمضان ۲۳ کارگر روزمزد را بی سروصدا اخراج کردند. هر يك از آنها بین ۱ تا ۳ سال سابقه کار داشت. بعد نوبت به کارگران نوجوانی رسید که هنوز خدمت اجباری را (برای کشته شدن در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل) طی نکرده بودند. تعداد این نوجوانان که نان‌آور خانواده‌هایشان بودند، به ۱۰ نفر می‌رسید.

بعد از ماه رمضان اعلام کردند که دیگر شیوه پورسانت نمی‌صرفد. این شیوه را ابتدا در بخش وافیوز که تور باغچه‌ای تولید می‌کنند، ملغی ساختند. با قطع اضافه‌کاری به یکباره دستمزد کارگران افت شدیدی پیدا کرد. کارگران آگاه همچنان که قبلاً گفتیم با اضافه

بقیه در صفحه ۷

هموطن!

برای پایان دادن به

جنگ و ویرانی

برای پایان دادن به

گرانی و بیکاری

برای پایان دادن به

شکنجه و اعدام

برای پایان دادن به

کشتار مردم کردستان

برای پایان دادن به

تحقیر و توهین زنان

برای رسیدن به صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

متحد شویم و علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!

فدائیان - اکثريت

انعکاس مواضع سازمان در مورد جنگ، در نشریات مترقی

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی به رغم خواسته مردم همه کشورهای جهان به جنگ جنون آمیز و خانمان سوز خود با عراق ادامه می دهد. افکار عمومی جهان، این جنگ را محکوم می کند. بشریت ترقیخواه بارها و بارها از کانال احزاب و مجامع مترقی و رسانه های گروهی و کانوهای ذیرسط بین المللی بر ضرورت قطع فوری جنگ، پای فشرده است.

سازمان ما معتقد است جنگ کنونی حاصلی جز ویرانی و کشتار و تحکیم مواضع امپریالیسم در منطقه، در بر ندارد. این موضع اصولی در نشریات مترقی انعکاس ویژه ای داشته است. از جمله هفته نامه "الانطلاقة" چاپ سوریه که منعکس کننده جنبش رهایی بختر در کشورهای عربی است در شماره ۱۶۸۴/۱۰/۱ خود سرمقاله کار شماره ۳ را چاپ نموده است. روزنامه "حقیقت انقلاب ثور" ارگان کمیته مرکزی حزب

دموکراتیک خلق افغانستان، در شماره ۱۳۱ اسرطال ۱۳۶۳ خود اظهاریه ۲۴ خرداد ماه امسال کمیته مرکزی سازمان ما را به تمامی درج کرده است. در ماه های اخیر در نشریات "مارکسیستیه بلتر" ارگان تئوریک حزب کمونیست آلمان (شماره مه و ژوئن)، "روزنامه" "عصر ما" ارگان سیاسی این حزب (شماره های ۲۴ مه و ۲۶ ژوئیه)، "صدای خلق" ارگان سیاسی حزب کمونیست اتریش (شماره ۳۱ ژوئیه)، "راه و هدف" ارگان تئوریک این حزب (شماره ماه ژوئن)، "نشریه مردم لوزن آمبورگ" ارگان حزب کمونیست لوزن آمبورگ (شماره ۱۷ دسامبر)، "نشریه دموکراتیک" وضد امپریالیستی آ - ای - ب چاپ آلمان - فدرال (شماره های آوریل و سپتامبر ۸۴)، "روزنامه" "به پیش" ارگان حزب کار سوتیس (شمسارو ۳ و ۱۳۰ اوت) مواضع سازمان ما در قبایل جنگ، به تفصیل انعکاس یافته است.

"این دولت نوکر مستکبران است، نه حامی مستضعفان!"

بقیه از صفحه ۶

کاری مخالف بودند، مخالفت آنها در اصل به کم بودن حقوق ماهیانه بر می گشت که کارگران را وادار می ساخت در وضعیتی که سیب زمینی به کیلویی ۴۰ تومان هم می رسد به اضافه کاری رویا ورند. اما ما در حالت ثابت ماندن دستمزدها با قطع اضافه کاری نیز مخالف بودیم. همواره کارگران مخالف بودند. با قطع اضافه کاری ۸۰ نفر در قسمت تولید توری باغچه ای، مخالفت به صورت کم کاری و خراب کردن ماشین آلات بروز کرد. در همین اثنا ۶ کارگر از روی ناچاری استعفا دادند. جانشان به لبشان رسیده بود. با حقوق ماهی ۲۴۰۰ تومان چه کار می توانستند بکنند؟ باقرزاده خونخوار با رضایت خاطر استعفا ی آنها را پذیرفت. یکی از کارگران مستحفی به من گفت: "ناچارم بروم دنبال یک کار دیگر. نمی دانم چه کاری. ولی با این مزد کم هم نمی توانم بسازم. جواب زن و بچه را چه بدهم؟ به رئیس کارخانه وقتی پرسید برای چه استعفا می دهی گفتم خودتان می دانید چرا. من این همه سابقه کار دارم ولی شما حاضر نیستید آنقدر به من بدهید که بچه هایم از گرسنگی نمیرند. کثافت برگشت گفت: "ما هم وضعمان خوب نیست. ضرر می دهیم. نمی توانیم حقوقتان را اضافه کنیم. وزارت کار هم راضی نیست. آخر مملکت در شرایط جنگی به سر می برد!" بالاخره

نمردیم و فهمیدیم مستضعف یعنی چه! بعد از ۵ سال که از انقلاب می گذرد دانستم من مستکبرم و حاج آقا باقرزاده مستضعف است! دست این دولت و وزارت کارش هم دیکر برایم روشن شد. در اواخر تیر ماه کم کم رزمه شورا بسال گرفت. می بایست متحد می شدیم و در مقابل سرمایه دار می ایستادیم. حاج آقا به هراس افتاد کوشش کرد هر طور بنده جلوی تشکیل شورا را بگیرد. اما کم کاری ادامه یافت. مدیریت در برابر کارگران معترض می گفت "هر کس می ناراضی است نیاید! کارگر بسیار است. به جای شما افغانی می آورم که به نصف این مزد هم راضی هستند." وقتی اعتراض کارگران تشدید شد، مدیریت شروع به اخراج کارگران کرد. این کار با بهانه های مختلف صورت گرفت. مثلا سرپرست کارخانه مدتی، خیلی پروپا یکی از کارگران می پیچید، بالای سر او می ایستاد و از کارش عیب و ایراد می گرفت و با با و می گفت که دیر سرکار حاضر می شود. آن کارگر یک روز بالاخره از کوره در رفت و با این کلمات در مقابل سرپرست ایستاد:

"من چند سال پیش این دستگاه سیم خاردار کم را خم کرده ام. تمام بدنم از فشار کار کوفته شده. آنوقت می خواهید کاری کنید که ما با پای خودمان از کارخانه بیرون برویم؟ کور خوانده اید!" بالاخره این کارگر را اخراج کردند بی آنکه فریادش به

جایی برسد. وزارت کار هم که شما بهتر از من می دانید وزارت کار فرمایان است. تره هم به ریش او خرد نکردند. مدیریت کارخانه مثل بقیه سرمایه داران تاجر زیادی در زمینه تفرقه انداختن بین کارگران دارد. حتی از اجیر کردن جاسوس نیز ابایی ندارد. ولی کارگران به حرکت خود ادامه می دهند. خود باقرزاده دیگر کمتر به کارخانه می آید. اخیرا می گویند رفته است آمریکا برای استراحت! شیره جان ما را میکده خال رفته کشور اربابش به سلامتی جمهوری اسلامی بیسکی بالا بزند. مدیر کنونی کارخانه، بر طبق دستور او مرتب فشار را بالا برد. او مرتب آمد برای ما نطق کرد که مثلا "وقتی در ژاپن جنگ تمام شد، همه دست به دست هم دادند و اقتصاد خود را رند دادند. ژاپن حالا شده است آقشای آسیا!" کارگری در جواب او گفت:

"منظورتان این است که ما این نان خالی را هم نخوریم و سرمان را زیر بیندازیم، تا جیب باقرزاده ها پر شود؟"

در جای دیگری آقای مدیر در برابر اعتراض جمعی ما فریاد کشید و گفت: "بروید گم شوید! دست دارید با این حقوق کار کنید، کار کنید! دست ندارید بفرمایید بروید! من چه ربطی دارد شما با این ۲ هزار تومان چظوری زندگی می کنید؟"

به من چه ربطی دارد که تورم هست، کرانی هست! چرا توجه نمی کنید که ما در شرایط جنگی به سر می بریم؟ "جنگ هم واقعا بیانه خوبی برای این آقایان شده است. اصلا هم اینها هستند که جنت را کش می دهند. می خواهند خون بچه های مردم روی زمین بریزد و حضرات کیسه شان پر شود."

مدتی بعد خیلی های دیگر را اخراج کردند. هر کس را که دم از شورا زد، انداختند بیرون. به هر کس که گفت با این حقوق نمی شود زندگی کرد گفتند بروید کار بهتری پیدا کنید!

اما کارگران از تب و تاب نمی افتند حرکت ادامه دارد:

کارگران به ضرورت اتحاد پی برده اند و از اخراج هم بیمی ندارند. گرسنگی گرسنگی است. بالاخره حق خودشان را خواهند گرفت.

آری دوستان! این بود کوشش های از وضعیت کارگران در جمهوری اسلامی. دیگری ما دست این جمهوری را خواندیم. وقتی می آیند از مستضعف صرف می زنند، به خویشی می دانیم که اشک تسلیح می ریزند. ما امید خودمان را از دست نمی دهیم و به مبارزه ادامه می دهیم. ما باید متحد شویم. اگر همه با هم باشیم مثل سیل به راه خواهیم افتاد.

زنده باد طبقه کارگر!
مرگ بر نظام سرمایه داری!
مرگ بر امپریالیسم امریکادشمن اصلی خلق ما!

در حاشیه

"به لحاظ تجربه، سخن از آخرین عملیات نباید بمیان آورد"

سرمقاله روزنامه اطلاعات ۲۴ شهریور:
"میگویند يك سخنران مبتدی وقتی سخن می گوید با معین نمودن محدوده هایی خودش را در بن بست می اندازد مثلا میگوید می خواهم در مورد سیاست خارجی ایران صحبت کنم . سیاست خارجی ایران ۸ مشخصه دارد . شش مشخصه را می شمارد و مابقی یادش می رود . سخنران حرفه ای میگوید مشخصات سیاست خارجی ما اینهاست . آن وقت اگر چهار مشخصه را هم بشمارد کسی ایرادی بر او نمی گیرد . در جنگ نیز به لحاظ تجربه و نیز تا مل نیایست دچار هیجان شد . سخن از عملیات آخرین ، یا عملیات سرنوشت سازو یا پایان فوری جنگ و ... به میان آورد ."

مفهوم فرهنگ سالم و غنی!

مسئول نمایشگاه " از کریلا تا قدس " هدف از برگزاری نمایشگاه را از جمله چنین توضیح می دهد:
" میباید فرهنگ غنی جبهه ها که به فرموده امام " جنگ از برکات الهی است " هر چه گسترده تر و وسیعتر نشر یابند ، زیرا بسا تشریح این فرهنگ سالم و غنی هم حقایق انقلاب اسلامی به ثبوت می رسد و هم پایه های بسیاری از علائق دنیوی فرو خواهد ریخت ."
(جمهوری اسلامی - ۲۶ شهریور)

تکبیر تجار محترم

بعد از فتاوی ۴ شهریور ، سیل پیامها و تلگرامهای تبریک و حمایت ، از طرف محافل هوادار غارتگری لجام کسبخته تجار بزرگ سرازیر شد که بی استثناء " حاکمیت فقه را بر همه ایجاد اجتماعی به ویژه پیکره اقتصاد " را ، از دولت طلب کردند . تنها ، د و نمونه از این پیامها ، می تواند نشان دهنده سمت و سو ، و مضمون فتاوی باشد .

اطلاعیه اتحادیه صنف فروشندگان آهن آلات تهران میگوید : " کسیه متعهد همیشه خواهان اقتصاد اسلامی بوده و تنها راه اصلاح را حاکمیت فقه اسلامی بر اقتصاد مملکت میدانند ، همانطور که آن امام بزرگوار فرمودند سلب آزادی مردم بر امور اقتصاد مشروط نیست . متقابلا اعلام میداریم که آماده هر گونه کمک جهت اجرای فرمان آن حضرت بوده و وظیفه خود میدانیم که تجربیات و نظرات را در اختیار

مسئولان متعهد مملکتی در امر اقتصاد نهاد تا اثناء ۴۰۰۰ با رهنمود های آنحضرت توفیر میباشند حضرت آیت الله العظمی منتظری بر مشکلات اقتصادی فائق گشته و چنانچه بعرضه اجرا گذاشته شود ، نهد اقتصاد نه شرقی نه غربی ، بلکه اقتصاد اسلامی خواهد بود . " (کیهان - ۸ شهریور)
" جامعه انجمنهای اسلامی بسازار و اصناف تهران " با صدور اطلاعیهای و با استناد به رئیس فتاوی از جمله " شما بازار را می خواهید نگه دارید ، بازار را شریک کنید در کارها " و ... متذکر می شود : " امید است که با توجه به دستورات امام مبنی بر همکاری با بازار مسئولان امر تشویق به اجرای سیاست هایی منطبق با دستورات امام گردند هیئت قانونی نمیتواند ناقض اصول اساسی شرع انور گردد ، لازم است که این اصول را شدیداً مد نظر قرار دهیم . هر نوع شرح توزیع بدون در نظر گرفتن اصول شرع منجر به سلب حاکمیت طرفین بیع و نهایتاً خلاف شرع بودن معامله خواهد گردید . " (اطلاعات - ۱۹ شهریور)

باید با سرعت کارها را جلو بیاوریم

رفسنجانی در دیدار با اعضا و مسئولین حزب جمهوری اسلامی :
" بخش خصوصی بعنوان بهترین اهرم برای کارهای اقتصادی و بسیاری کارهای دیگر فوق العاده اهمیت دارد . ضمن آزادی انسانها ، اینگونه قابل تعمیم است . آزادی انسان فقط رای دادن نیست . بخش خصوصی باید حتما فعال شود . صحبت امام تا بحال اینگونه صریح نبود . حال بعد از فرمایشات ایشان نباید کارها مثل قبل انجام شود ، بلکه باید با سرعت کارها را جلو بیاوریم . پس از سخنران امام ، دولت بلافاصله بخشنامه کرد و طرح برنج هم از مصادیق آن بود ."
(جمهوری اسلامی - ۲۶ شهریور)

هر چه تجار ذینفع بگویند

موسوی دست وزیر:
" شما تصور که در اصلاحیه منتشره ، عنوان شده ، با تفسیه هایی که حضرت آیت الله منتظری کردند و سخنان حجت الاسلام رفسنجانی و نظرات ریاست جمهوری مسئولیت خرید و توزیع برنج به بخش خصوصی واگذار میگردد و در این زمینه دولت هیچگونه مسئولیتی ندارد . . . البته برای کمک به تحقق برنامه مزبور و جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت به تقاضای اصناف دولت کامیونتها و وانتها را کنترل خواهد کرد و لازم است یادآور کنم هرگاه اصناف ذینفع در این رابطه بخواهند این کنترل لغو خواهد شد ."
(کیهان - ۲۱ شهریور)

تنفس تنها در هوای سیاست غالب

رفسنجانی :
" معلمان باید در هوایی تنفس کنند که در آن جریانهای خاص سیاسی مطرح نباشد .

البته منظور آن نیست که در سیاست دخالتی نکنند بلکه معلمین بیشترین حق را در سیاست دارند و آن همان سیاست غالب و حاکم جمهوری اسلامی است . " (جمهوری اسلامی - ۲۴ شهریور)

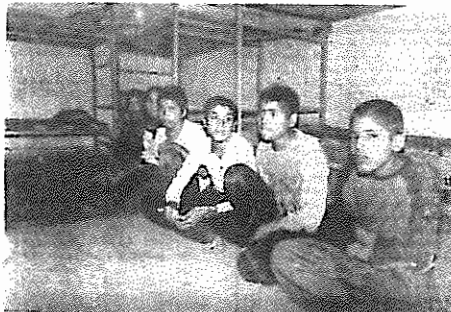
"اسلام میخواهد زن در صندوق خانه باشد"

کوهرا الشریعه دستغیب نماینده مجلس:

در بین برادران مجلسی که نگاه افرازی پیدا می شوند که می گویند زن را باید در ناگاه های نگه داشت تا مضیه باشد و دچار گناه و انحراف نشود عده ای به اسم اسلام شناس می گویند : " اسلام می خواهد زن در صندوق خانه باشد خود م از برادری که در کار اجرایی قوه قضائیه است چند ماه پیش شنیدم که با افتخار می دت : " تا به حال به چند خانم که بعنوان شاکی از ازدواج مجدد و بدون اطلاع همسرانشان مراجعه کرده اند ، کوچکترین توجهی نکرده ام داد ناهما خیلی سربه راحت بچه ها را از زن می گیرند و به پدر می دهند مثل اینکه قطعات آهن و سنگ جابجا می شوند . " (کیهان - ۱۳ شهریور)

نهالهای سوخته به وسیله "مجاهدین" قاچاقچی افغانی

مسئول ستاد بازپرور معتادین زاهدان :
" امروز بوضوح می بینیم که از قبل مساله مواد مخدر آینده نسل ۱۰ ، ۱۲ ساله های ایران در خطر است بطوریکه بر طبق آماریکه امروز تربیتی شهر زاهدان داده بود در سطح مدارس راهنمایی حدود ۱۷۰ نفر از سطح دبستان های دخترانه شهر زاهدان ۷۰ بچه معتاد وجود دارد که امکان ترک دادن آنها از عهده ما خارج است . . . در شرایط فعلی و شرایطی که مرزهای شرقی کشورمان دارد کار بازپروری درست مانند آنست که ما بخواهیم با يك ماده مگس که در سر محل تجمع زباله اقدام به نابودی مگسها بکنیم . " (جمهوری اسلامی - ۲۲ شهریور)



عده های از خرد سالان معتاد ، در مرز بازپروری معتادین در زاهدان که بی تفاوتی تبهکارانه رژیم به سرنوشت دودکان و شیوع فزاینده اعتیاد توسط جنایتکاران افغانی آنها را بیرحمانه به نام اعتیاد کشیده است .

ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران در جشنهای محلی حزب کمونیست فرانسه

بزآنسون

بقیه از صفحه اول

در روزهای دوم و سوم ژوئیه مطابق با ۱۲ و ۱۳ خرداد ماه امسال جشن سالانه کارگران بزآنسون برگزار شد. در این جشن غرفه‌ای نیز به سازمان ما و حزب توده ایران اختصاص داشت. غرفه که با شعارهایی چون "آزادی برای کلیه زندانیان سیاسی - مستحکم باد همبستگی کارگران - ایرانی و فرانسوی" - ننگ و نفرت بر کشتار و اختناق در ایران" و پوسترهایی با مضمون افشای رژیم ترنشین شده بود، مورد بازدید تعداد زیادی از شرکت کنندگان قرار گرفت. بازدید کنندگان طوماری را در اعتراض به کشتار انقلابیون در ایران امضا نمودند.



از جمله صدور قطعه‌نامه و امضای طومار سرانسی همبستگی خود را با مبارزات مردم میهن ما ابراز داشتند. در میان بازدید کنندگان از غرفه، این شخصیتها به چشم می خوردند: رفقا فیلیپ هرزوک، عضو دفتر سیاسی و مسئول امور اقتصادی حزب کمونیست فرانسه، سرژ پاکلی شهردار ادن کورت و مشاور اول استان رب، ماریسالی بورکن، لولوک ژان پیر شهردار بتون کورت، ژرارد بای مسئول اول حزب در شهر ادن کورت و مشاور شهردار، برخی از استادان دانشگاه بزآنسون و ...

دیزون

هواداران سازمان و حزب توده ایران در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در استان "کوتور" که در روزهای نهم و دهم تیرماه ۶۳ در شهر دیزون برگزار شد، با برپا ساختن غرفه‌ای که پلاکارها و پوسترهای آن به افشای جنایات جمهوری اسلامی اختصاص داشت، شرکت کنندگان در جشن را به ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران فراخواندند. شخصیتهای زیر نیز از غرفه بازدید کردند و طوماری را که در اعتراض به اختناق و کشتار در ایران تنظیم شده بود، امضا نمودند: آلن تیروز مسئول اول حزب کمونیست

و حوادث بسیاری در اطراف ما اتفاق می افتد. لذا لازم است که دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، با هم مشورت‌های بیشتری داشته باشند، از جمله گفتگو و تبادل نظر پیرامون مسائل افغانستان که جای ویژه‌ای در روابط دو کشور دارد. موسوی به این اظهارات، چنینی جواب می دهد: "باید صریح گفته شود که بسا وجود بهای سنگینی که ملت‌ها و دولت‌های ایران و پاکستان در این رابطه، از جمله در مورد برادران مهاجر افغانی تحمل کرده‌اند، بررسی‌های به عمل آمده نشان می دهد که دو کشور مسلمان و همسایه مجبورند سیاست‌های هماهنگی را در مورد افغانستان، در پیش گیرند." (اطلاعات ۲۲ شهریور)

وزیر امور خارجه پاکستان بعد از بازگشت از تهران، در فرودگاه اسلام آباد در جمع خبرنگاران اظهار داشت که "به رهبران ایران، اطمینان خاطر داده است که علی رغم تفاوت‌های موجود، در برخورد با مساله افغانستان، هدف

غرفه مشترک سازمان و حزب در جشن کارگران بزآنسون مورد بازدید شخصیت‌هایی چون رفیق فرانست لزار عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، ماریسالی بورکسن مسئول ایالتی حزب کمونیست در استان دب، برنارد تونسن دبیر اول و مسئول حزب کمونیست در شهر بزآنسون، گاره ژیلپرو ایرون آندره مشاوران شهرداری بزآنسون، سرژ پاکلی شهردار ادن کورت و شارل بویه، کیراد و دیباز فزئل، استادان دانشگاه بزآنسون و ... قرار گرفت.

ادن کورت

در روزهای ۹ و ۱۰ ژوئیه مطابق با ۱۶ و ۱۷ خرداد ۶۳، تعداد بسیاری از شرکت کنندگان در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در شهر "ادن کورت" واقع در استان دب، از غرفه مشترک حزب توده ایران و سازمان ما، بازدید به عمل آوردند و بد تکلیف‌های مختلف

وزیر خارجه پاکستان: "هدف نهایی ایران و پاکستان یکی است"

از چه ظرفیت بالایی برای انجام نیا آمریکا برخوردار است.

جمهوری اسلامی در مخالفت و ستیز با افغانستان انقلابی کاسه داغتر از آش است. این رژیم با حل مسالمت آمیز مساله افغانستان اکیدا مخالف است و از پاکستان به خاطر این که در کنفرانس ژنو شرکت کرده گلایه می کند.

آنچنان که از روزنامه‌های جمهوری اسلامی بر می آید مذاکرات صاحبزاده یعقوب خان با مقامات تهران، عمدتاً حول مساله افغانستان و ایجاد هماهنگی در جهت غریبه زدن به انقلاب این کشور، دور می زده است. یعقوب خان در دیدار با نخست وزیر می گوید: "ما با مسایل متعدد دی در منطقه درگیر هستیم

فرانسه در استان کوش در، پاشل یانلی مسئول حزب کمونیست در شهر دیزون، ماریسالی هارلسو. از مسئولین ایالتی حزب و جمعی از استادان دانشگاه دیزون.

مارتو

در روزهای ۱۶ و ۱۷ خرداد ۶۳، در جشن محلی حزب کمونیست در شهر مارتو، هواداران حزب و سازمان نیز شرکت جستند. غرفه مشترک مورد بازدید بسیاری از شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت.

شالن سورسن

در جشن محلی استان "سون الوار" که در شهر "شالن سورسن" برگزار گردید، غرفه‌ای به سازمان و حزب اختصاص داده شده بود که مورد استقبال بسیار واقع شد. بسیاری از شرکت کنندگان در جشن طومار اعتراضی به کشتار و اختناق در ایران را امضا نمودند. این طومار به امضای شخصیت‌های زیر نیز رسید: کلود پالورسئو ایالتی حزب کمونیست فرانسه، خانم باشلسه، مسئول شهر شالن، اساتیدی همچون میشل کوده دیازرونو، مارژو و ...

ایروکور

در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در استان "اوتسین" که در شهر "ایروکور" در روزهای ۱۶ و ۱۷ تیر ۶۳ برگزار شد، عده زیادی از شرکت کنندگان، از غرفه مشترک حزب و سازمان بازدید کردند و با صدور قطعه‌نامه‌ای ترور و سقان موجود در ایران را محکوم کرده و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و قطع فوری جنگ هستند. شخصیت‌های زیر نیز این قطعه‌نامه را امضا کردند: دکتر وایزبرگ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، جمعی از مسئولین ایالتی و شهرهای مختلف همچون خانم ریخلورو، آرویز، موروکس، ولولوک ژان پیر، شهرداران و مشاورین شهرداری شهرهای مختلف همچون جرارد بای، مونری ژرژ و از مسئولین سندیکاها از جمله کریه ونل و جمعی از اساتید دانشگاه.

نهایی ایران و پاکستان یکی است." (روزنامه داون - چاپ پاکستان - ۱۴ سپتامبر) تفاوت‌های ناچیزی که میان روش‌های رژیم بر سر پیشبرد هدف ارتجاعی مشترک وجود دارد، طبعاً نتوانسته است مانع کسترش هر چه بیشتر همکاری میان دو کشور گردد. نتایج مذاکرات صاحبزاده یعقوب خان در تهران گواه دیگری بر این امر است. در ادامه گستره روابط این دو رژیم ارتجاعی، همانگونه که "آرسی - دی" احیا شده است (موضوعی که در جلسه ۱۰ سپتامبر کابینه ضیا الحق رسمیت پیدا کرد)، اینک باید شاهد احیای پیمان سنتو بود. روابط اقتصادی با ترکیه و پاکستان، احیای "آرسی - دی" را به دنبال آورد و حال همدستی با ترکیه در سرکوب خلق کرد و هم پیمانی با پاکستان در ستیز علیه افغانستان انقلابی، میانه راهی است که احیای سنتو نیز یکی از مقاصد آن است. جمهوری اسلامی برای خدمت به امپریالیسم استعداد‌های زیادی دارد.

اوج گیری پیکار مردم فیلیپین در راه سرنگونی دیکتاتوری مازکوس

کارگر انجامید . هنوز هم خبری از تعداد بسیاری از کارگران عضو اتحادیه‌های کارگری که در آن روز ناپدید شدند ، در دست نیست .

قتل "بنینواکینو" از سیاستمداران مخالف رژیم مازکوس که در فرودگاه مانیل به دست سربازان دولتی انجام گرفت ، پس از یک سال هنوز هم انگیزه تظاهرات وسیع مردمی است . در سالگرد این جنایت ، میلیونها نفر در مانیل گرد آمدند تا علیه سیاست ترور و خفقان دولتی اعتراض کنند . آنها خواهان سرنگونی رژیم دیکتاتوری وابسته به آمریکا

حکومت مازکوس از سالها پیش همواره با سرکوب ، ترور و جنایت همراه بوده است . در فیلیپین ، شخص مازکوس ، بعنوان رئیس ، جمهور اختیار دارد تا بجای قانون ، با "فرامین"



سرکوب نارشان به توسط پلیس ضد اغتشاش مازکوس.

شدند . در هفتمه اول ماه ژوئیه ، ۳۰ هزار دانشجو به اتفاق معلمین ، اساتدان دانشگاهها و رهبران گروههای سیاسی ، در اطراف مجسمه "یونسی فشیو" قهرمان ملی فیلیپین در مبارزه علیه استعمار اسپانیا گرد آمدند و از آنجا ، به طرف کاخ "مالاکانیا" محل اقامت مازکوس به راه افتادند . گارد مسلح ، در نزدیکی کاخ راه تظاهراتکنندگان را سد کرده و به استفاده از گاز اشک آور متوسل شد . این واقعه ، به مجروح شدن تعداد زیادی از مردم انجامید . فردای آن روز ، رهبران اتحادیه‌های دانشجویی اعلام کردند عده بیشماری از دانشجویان توسط "مارشالهای مخفی" یا نیروهای امنیتی مازکوس شناسایی و دستگیر شده‌اند که از آنان خبری در دست نیست . از این رو ، روز ۱۳ ژوئیه ، راهپیمایی گسترده‌تری انجام گرفت . در این تظاهرات با شکوه ۵۰ هزار نفر از دانشجویان و مردم شرکت کردند . تنها در هفته بین سیزدهم تا نوزدهم اوت ، پنج تظاهرات بزرگ ضد رژیم انجام گرفت . در یکی از این تظاهرات ، که در اعتراض به قروض خارجی سرسام آور رژیم برگزار شد ، هزاران نفر فریاد می‌زدند "مازکوس، تروریست است ."

روی آوردن بخشهای هرچه بیشتری از مردم فیلیپین به مبارزه ، و عمیق تر شدن و رادیکال تر شدن خواسته‌های آنها ، باعث شده است حتی برخی محافظ بورژوازی و وابسته به آمریکا نیز در ریا بند رژیم مازکوس محکوم به فناست . نیروهای معینی در فیلیپین ، با حمایت برخی

حکومت کنند . نیروهای سرکوبگر ، قادرند اشخاص را بدون محاکمه بازداشت و به زندان بيفکنند . زندانهای فیلیپین ، پر از میهن پرستان است که تنها جرم آنها ، استقلال طلبی و آزاد اندیشی است . باند های سیاه و وابسته به حکومت ، به نام "مارشالهای مخفی" ، دست به ترور مبارزین می‌زنند . حرکت های اعتراضی مردم معمولاً با واکنش خشونت آمیز سرکوبگرانه پلیس و ارتش ، روبرو می‌شود .

مازکوس در تمام طول ۱۹ سال جنگ با مردم فیلیپین ، از حمایت بی‌درنگ آمریکا برخوردار بوده است . آمریکا که فیلیپین را به "ناوهواپیمابر غرق نشدنی" خود تبدیل کرده ، مصمم است تا اجازه ندهد تحولات سیاسی و اجتماعی در فیلیپین ، به منافع آن لاله ای وارد آورد .

در مقابل ، در ماههای اخیر جنبش مردمی علیه دیکتاتوری مازکوس همه اقشار و طبقات خلقی را در بر گرفته است . به ویژه ، طبقه کارگر فیلیپین به طرز فزاینده ای به مبارزه برای تحقق اهداف صنفی و سیاسی ، روی می‌آورد . در تاریخ ۲۹ ژوئن امسال ، کارگران شرکت های چند ملیتی در شهرهای بندری ماری والیس و بتان بخاطر پایین بودن دستمزدها و بیعدالتی اجتماعی ، دست به تظاهرات زدند . در ماه مه ، کارگران شرکت های سازنده کالاهای صادراتی ، تظاهرات اعتراضی برگزار نمودند . کارگران شرکت های بزرگ فیلیپین هم اکنون بیش از یک ماه است که در اعتراض به سر می‌برند . در روز ۲ ژوئیه ، کارگران چند شرکت دست به تظاهرات زدند که با دخالت عوامل سرکوبگر دولتی ، موقتاً قطع شد و به شهادت ۴

بقیه از صفحه اول آنجلس و پایگاه دریایی اتمی "سو بیگ" است . به نوشته "نیوزویک" این دو پایگاه عظیم نظامی برای آمریکا تا اندازه ای اهمیت دارند که در صورت "از دست رفتن" آنها ، نمی‌توان جایشان را پر کرد .

فیلیپین عضو "آستان" ، سازمان کشورهای جنوب خاوری آسیاست . در این سازمان ، علاوه بر فیلیپین ، سایر کشورهای این منطقه تحت سلطه رژیم های آمریکایی هستند ، عضویت دارند .

فیلیپین هم اکنون شدیدترین بحران اقتصادی خود را از زمان اشغال این کشور توسط ژاپن در سال ۱۹۴۱ ، بدین سو ، از سر میگذراند . حاکمیت اقتصاد سرمایه داری وابسته ، فیلیپین را به ورشکستگی کشانده است . در حالیکه فیلیپین همچون بسیاری دیگر از کشورهای تحت سلطه از عواقب استثمار و فارت ثروت ملی توسط صندوق بین المللی پول رنج می برد ، رژیم مازکوس در شرایط بحرانی حاضر نیز همچنان راه برون رفت از بن بست را در گرفتار و ام از این صندوق می بیند . در حال حاضر مذاکرات برای دادن یک وام ۶۵۰ میلیون دلاری صندوق بین المللی پول به فیلیپین ، جریان ندارد . سطح زندگی مردم فیلیپین در سالهای اخیر دائماً رو به کاهش داشته است . برنج ، که محصول عمده کشاورزی فیلیپین و غذای اصلی مردم این کشور است ، در نتیجه غارت و چپاول بی حد و حصر از سوی سرمایه داران بزرگ ، در عرض یک سال ، ۲۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است . در حالیکه یک کیلو برنج به بهایی حدود ۹ پیزو (تقریباً ۹۰ ریال) رسیده ، مزد یک کارگر صنعتی طبق نرخ رسمی دولت از ۳/۵ پیزو در روز (۴۳۵ ریال) تجاوز نمی‌کند . دولت اعلام کرده است از آنجا که مصرف داخلی برنج بیش از میزان تولید است ، لذا از تایلدن برنج وارد خواهد کرد ، و این در حالی است که برنج ، اصلی ترین کالای صادراتی فیلیپین است البته برنج کاران کمبود برنج را مصنوعی و نتیجه احتکار و بورس بازی کلان سر سرمایه داران ، بخصوص سرمایه داران چینی فراری از انقلاب چین می‌دانند . کرایه اتوبوسها که کارگران باید خود را با آن به محل کار برسانند روز به روز گران تر می‌شود . اگر یک کارگر بخواهد از محله فقیرنشین مانیل به نام "تندو" به محل کار خود در یکی از کارخانجات برود ، هر روز رفت و برگشت او با اتوبوس ۱۰ پیزو (۱۰۰ ریال) خرج بر می‌دارد . این نمونه ، و نمونه های دیگر ، همه حاکی از آنست که بار اصلی بحران اقتصادی فیلیپین و سیاستهای دیکتاتوری بدوش کارگران و زحمتگشان است .

رویدادهای
جهان

آدم‌ربایی برای تبلیغات ضد کمونیستی

نزدیک به يك سال تمام، رسانه‌های گروهی غرب تبلیغات وسیعی بر سر فراراد عایسی يك روزنامه نگار شوروی به نام "اولگ بیتوف" به راه انداختند. اکنون بیتوف در مسکو به سسر می برد. وی طی يك مصاحبه مطبوعاتی فاش ساخت که چگونه يك سال پیش در ونیز، عوامیل، "اینتلجنت سرویس"، سازمان جاسوسی بریتانیا، وی را ربوده و وادار ساختند خود را بعنوان "ناراضی" و "فراری" در اختیار آنها بگذارد. بیتوف بطور مشخص و با ذکر جزئیات بسیاری، ماجرای ربوده شدن خود، استفاده از داروهای شیمیایی و تهدیدات گوناگون توسط رایبندگان، و سپس انتقال وی با گذرنامه جعلی به لندن را بر ملا ساخت. بیتوف در کنفرانس مطبوعاتی منگور، اسامی اشخاص و نشانی محل‌هایی را ارائه داد که بنحو انکارناپذیری حاکی از دقت گزارش او است. وی گفت کلنل جرج هارتلند، کلنل جیمز وستال، دو افسر به اسامی هایپکسل ویلمونت و پیتر هیلر، سروان چارلز مک نات و چند نفر دیگر در ریودن و اعمال فشار بر او شرکت داشته‌اند. به گفته بیتوف، يك مقام تصمیم گیرنده در گروه عملیاتی مربوطه انگلیسی، خطاب به او اظهار داشته است: "شغل ما تنها يك قانون می شناسد: نبود کامل قوانین".

بیتوف میان مقاومت علنی، که به معنای خود کشی می بود، حیانت به وطنش و بی‌مواظقت ظاهری با خواسته‌های "اینتلجنت سرویس" و استفاده از يك فرصت مناسب برای فرار از دست جنایتکاران، راه سوم را انتخاب کرد. وی اینسک در صدد است تا تجربه زندگی چند ماهه خود بعنوان "ناراضی فراری" جعلی در "دنیای آزاد" را بصورت يك کتاب با افکار عمومی در میان بگذارد.

دیپلک حزب کمونیست شیلی:

استفاده از همه شیوه‌های مبارزه

کماکان در دستور روز است

رفیق لوئیس کوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی، در پیامی که در تاریخ ۱۰ سپتامبر منتشر گردید، اعلام کرد: "تجربه نشان می دهد، مقاومت مسالمت‌آمیز و مسلحانه نافی یکدیگر نیستند، و شیوه اصلی مبارزه، در تحلیل نهایی به عوامل متعدد عینی و اراده مردم بستگی دارد. مردمی که برای آنها، حقوق شورش و سرپیچی با توجه به اهداف شوم دیکتاتور و رفتار جنایتکارانه ارگانهای سرکوب رژیم هر چه انکارناپذیرتر می‌گردد." این موضعگیری صریح حزب کمونیست

شیلی، در پاسخ به اظهارات برخی رهبران راستگرای حزب دمکرات مسیحی به عمل آمد، که خواهان دست کشیدن کمونیست‌های شیلی از اصل بکارگیری همه شیوه‌های مسالمت‌آمیز و مسلحانه مبارزه شده و این امر را شرط انعقاد يك موافقتنامه سیاسی با حزب کمونیست قرار داده بودند. رهبر حزب کمونیست شیلی افزود: "لحظه‌ای که شیلی در آن به سر می برد، برای شکست دادن امپراتوری که عطق قدرت او سبزی ناپذیر است، مناسب است. اگر با شجاعت و شهامتی که این موقعیت می طلبد، عمل شود، و اعتلای پرشکوه و پیروزمند مبارزه، و اتحاد همه نیروهای دمکراتیک، پیش‌رود، اراده مردم به کرسی خواهد نشست."

از سوی دیگر، جنبه مخالفت با دیکتاتور پیئوشه آنچنان وسعت یافته است که حتی اشخاص و محافلی که در ایجاد شرایط مناسب برای کودتای ۱۹۷۳ شرکت داشته و سالها از دیکتاتوری حمایت کردند، به اپوزیسیون می پیوندند. از جمله، ژنرال لی کودتاچی، که تا سال ۱۹۷۸ عضو "خونتا"ی نظامی پیئوشه بود، اخیراً پیئوشه را "دیکتاتوری از نوع هیتلر" خواند و اظهار تاسف کرد که دیکتاتور هنوز به قول خود مبنی بر انجام مذاکراتی با برخی مخالفین عمل ننموده است. لازم به یادآوری است وزارت خارجه آمریکا نیز همزمان با برگزاری دهمین روز اعتراضی ملی، از پیئوشه خواست با اپوزیسیون به اصطلاح "دمکراتیک" وارد گفتگو شود.

تشکیل ائتلاف راست در اسرائیل

رفیق توفیق طویلی، معاون دبیرکل احزاب کمونیست اسرائیل، طی نطقی در "کنست" پارلمان این کشور، گفت: "دولت جدید پرزاشمیرنه دولت وحدت ملی، که دولت سیمروزی ملی، و نسخه جدید و افراطی تر رژیم راستگرا، محافظه‌کار، جنگ طلب و سلطه جوی، "لیکود" است و مشی سیاسی دولت پیشین را ادامه می دهد."

با تشکیل ائتلاف پرزاشمیر، جبهه حزبی "ما آراخ" که تا کنون حزب رفرمیست "کار" به رهبری شیمن پرز در آن عضویت داشت، از هم پاشید. حزب "ماهام" اعلام کرد به اتحاد با "حزب کار" خاتمه داده و از دولت جدید پشتیبانی نخواهد نمود. "ویکتور شتوف" دبیر کل این حزب، اتحاد رهبری راستگرای "حزب کار" با "لیکود" را حیانت به اصل سوسیال دمکراسی قلمداد کرد.

برنامه دولت پرزاشمیر همچنان بر سر خود داری از پایان دادن به اشغال مناطق عربی‌ای که از سال ۱۹۶۷ در تصرف صهیونیست‌هاست، و نیز استنکاف از مذاکره با سازمان آزاد بیخشی فلسطین پافشاری کرده است. علاوه بر این، دولت جدید قصد دارد به سیاست استعماری ایجاد شهرک‌های صهیونیستی در مناطق عربی ادامه دهد.

بزرگداشت شهدای صبرا و شتیلا،
در کرانه غربی رود اردن

در کرانه غربی رود اردن، که تحت اشغال اسرائیل است، تظاهرات مردمی بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد قتل عام صبرا و شتیلا برگزار گردید. در اردوگاه‌های "دوحیشه" و "یلزون" و نیز دانشگاه عربی "بزیل"، مراسم گرامیداشت خاطره شهدای "صبرا" و "شتیلا" مقامات صهیونیست را بر آن داشت تا دانشگاه را به مدت يك روز تعطیل کنند.

عنی تظاهرات مذکور، مردم همچنین خواهان خروج صهیونیستها از مناطق مسود گردیدند. سرمازان اسرائیلی با خشونت هر چه تمام تر به تظاهرات حمله ور شده و چندی ن فر را بازداشت کردند. صهیونیستها در اردوگاه "دوحیشه" مقررات منع عبور و مرور برقرار نموده و دست به جستجوی خانه به خانه زدند.

اوج گیری بیکار مردم فیلیپین

در راه سرنگونی دیکتاتوری مارکوس

بقیه از صفحه ۱۰
محافل امپریالیستی، ازهم اکنون به فکرفیلیپین پس از مارکوس افتاده‌اند. آنها به شدت از سمت گیری فزاینده مبارزات مردم به سوی امپریالیسم آمریکا هراس دارند. وقایعی نظیر تظاهرات اعتراضی علیه آمریکا در اصطلاح "روزد و سستی آمریکا و فیلیپین" در ۴ ژوئیه، برای این محافل بمثابة زنگ خطر است. آنها می خواهند قدرت سیاسی به نحوی از دست مارکوس خارج شود که منافع سیاسی و اقتصادی، و به ویژه نظامی امپریالیسم آمریکا دست نخورده باقی بماند. بیپرده نیست که به نوشته يك مجله آمریکایی، يك مقام وزارت خارجه آمریکا گفته است دولت این کشور هم با مارکوس و هم با برخی مخالفین او در تماس است. در دوران حزب حاکم مارکوس، ارتش و سرمایه داران بزرگ وابسته، نیروهای بطور روزافزون به صف "ناراضیان" رسیاستهای مارکوس می پیوندند تا بتوانند در آینده، رژیم مارکوس را بدون شخص مارکوس با برجا نگه دارند. اما می شک، خواهست مردم فیلیپین، طبقه کارگر، دهقانان و زحمتکشان شهری، که هم اکنون برای آن به پا خاسته‌اند، بسیاری را تر از مطالبات مخالفین بورژوا لیبرال مارکوس است. آنها دمکراسی واقعی، عدالت اجتماعی و محو وابستگی به امپریالیسم آمریکار می خواهند و در این راه به مبارزه ادامه خواهند داد.

(این گزارش بوسیله رفقای فدائی در فیلیپین تهیه گردید. ما ست)

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!



حلبی آبادها

فقر طاقت فرسا، روستایان میهن ما را ناگزیر به ترک خانه و دیار کرده و در ابعاد ملیونی به شهرهای بزرگ و ویژه تهران مهاجرت میکنند. آنها در تهران برای تامین سرپناهی، یا هر وسیله‌ای که بدستشان برسد، در بیا با آنها حاشیه شهر آلونکی بنا کرده و در آن ساکن میشوند. اکنون در پیرامون تهران، بویژه در غرب و جنوب حلقه ضخیمی از حلبی آبادها تنیده شده است. در جاده خراسان، جاده رامین، جاده کرچ، جاده قم و جاده ساوه تا نزدیک ریاط کریم... انبوه مترام و کثیری از محلات آلونک نشین پدید آمده است. این محلات فاقد هر گونه امکانات رفاهی نظیر آب، برق و... میباشند. امکانات ناچیز موجود در برخی از مناطق نیز بدنبال مبارزات ممتد اهالی بدست آمده است، مبارزاتی که گهگاه خونین بود. ساکنین این محلات، کارگر کارخانه، کارگر فصلی، فرودنده دوره گرد و... هستند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از تامین حداقل امکانات زیستی برای این زحمتکشان خودداری میکند، بلکه هر روزه واحد های تخریب شهرداری را که با نیروهای مسلح اسکورت میشوند راهی این مناطق مینماید تا با بولدوزر، سرپناه زحمتکشان را بران کنند. تجاوز و تعدسدی گستاخانه مامورین حکومتی تا کنون بدفعات مقاهت های جانانهای برانگیخته است. علاوه بر این حاشیه نشینان تهران مداوا اقدامات و اعتراضاتی را برای کسب امکانات رفاهی انجام میدهند. ساکنین گل شهر، شهرک مطهری، پشمبافی، باغ فیض، حاجی محمود، عبدالله آباد، ولی عصر، شاد شهر، خانی آباد و... هیچ روزی نمیشود که از پیگیری مطالبات خود فروگذارند. در جاده ساوه تقریباً هر روزه، بهمین خاطر درگیری، تظاهرات و اعتراضات انجام میشود.

پاسخ رژیم به مطالبات برحق آلونک نشین های حاشیه تهران، تنها گلوه و سرنیزه است. اما اگر در رژیم شاهی، نیک پی معدوم توانست با این وسائل مبارزات "خارج از محدوده" را سرکوب نماید، در رژیم جمهوری اسلامی هم ناطق نوری خواهد توانست مقاصد حاشیه نشینان تهران را در هم بشکند.

خانه از پای بست ویران است

رسوایی سیاست درمانی و پزشکی جمهوری اسلامی، بالاخره به عزل وزیر بهداشت انجامید. دست اندرکاران بی انتساب

نابسامانیها به بی کفایتی دکتر منافق درصددند پای خود را از گلیم بیرون بکشند. اما حقیقت اینستکه مسئولیت اینکه مادر هر "در ۱۳۰۰ روستا یک پزشک نداریم" بر عهده همه مرتجعین حاکم است. اخبار زیر در این زمینه گویاست:

● در شهر صنعتی البرز با آن همه کارگر و سوانح حین کار، تنها یک درمانگاه وجود دارد که گهگاه یک پزشک هندی بان سرکشی میکند. این در حالی است که از کارگران این منطقه صنعتی، ماهیانه ۸۰۰ میلیون ریال بابت حقوق بیمه گرفته میشود. این مبلغ علاوه بر سهمیه بیمه کارفرمایان میباشد.

● تعداد بسیاری از پزشکان به جرم اعتقاد به صحت مشی سازمانهای سیاسی مرفقی و مردمی در اوین و دیگر زندانهای جمهوری اسلامی زندانی هستند.

● طرح نظام پزشکی دولت از سوی قاطبسه پزشکان با قاطعیت مردود اعلام شده است. حکومت با تنظیم این طرح نشان میدهد که همچنان در ادامه روشی لجباج دارد که پزشکان را میراند.

● در شهرستان گنبد تعدادی پزشک بخاطر بهائی بودن دستگیر و زندانی شدند.

● در شهر یزد مقامات روحانی شهر بی توجه به قانون نظام پزشکی، در امور این حرفه دخالت کرده و دستور میدهند دویزشک سرشناس این شهر زندانی شوند.

● یک دانشجوی ارمنی که در سال آخر دانشکده پزشکی تحصیل میکرد، اخیراً بجرم عدم شرکت در یک جلسه کلاس آیدئولوژی برای همیشه از دانشکده اخراج شد. طلبه ای که مسئول این کلاس و صدور حکم اخراج بود، در پاسخ به اعتراضی میگفت شرکت در کلاس آیدئولوژی حتی بر محالجه بیماران اورژانس تقدم دارد.

● برای پرکردن خلأ حاصله از مهاجرت، اخراج و بازداشت پزشکان، اخیراً از سوی وزارت بهداشت و وزارت نفت گروه دیگری از پزشکان کم سواد از پاکستان و بنگلادش استخدام شدند. این پزشکان اجازه دارند پنجاه درصد درآمد حاصله را به ارز معتبر به خارج کشور منتقل نمایند. استخدامهای تازه در شرایطی صورت میگردد که عدم کارآئی این پزشکان بویژه، بخاطر نداشتن زبان فارسی، اعتراضات بسیاری را برانگیخته است.

تویوتا

تویوتا برای مردم ایران نامی آشنا و البته منحوس شده است. در کشور ما، تویوتا مترادف با سرکوب و زندان، تحقیر و توهین گردیده است. ماشینهای تویوتا، ماشینهای اکیپ های گشت ارانهای متعدد سرکوب می باشد که از رژیم در برابر مردم پاسداری می کنند. پاپای گسترش دامنه سرکوب، تعداد اکیپ های گشت حکومتی و همراه با آن تعداد ماشینهای تویوتا در خیابانهای شهرهای

ایران افزایشی باید. اخیراً با اینکه برای واحد های سرکوب، تویول های بنزوی ام. و هم تهیه شده است، اما نقش انحصاری تویوتا بی خدشه مانده است. کردانندگان ارانهای سرکوب که از وسعت دامنه کار خود با خبر بودند، برای تامین نیاز انبوه خود قرار داد پر عرض و طولی با کمپانی ژاپنی سازنده این ماشینها منعقد کردند. فکته می شود در تنظیم وامضای قرارداد مذکور، علاوه بر نیاز جدی حکومت، میزان رشوه کمپانی ژاپنی به دست اندرکاران ایرانی نیز دخیل بوده است. اینک در بناد رکورد تعداد کثیری از ماشینهای تویوتا در انتظار خروبه صف نشید ماند. ساکنین مناطق مسیر بندرعباس، تهران و بندر خمینی - تهران هزارچند روز شاهد حرکت صفهای طولی این ماشینها هستند که توسط رانندگان سپاه به تهران

انتقال داده می شوند. با اینکه قرارداد خرید تویوتا از کمپانی ژاپنی به اندازه کافی گسترده است، اما همراه با گسترش مبارزه و مقاومت مردم، ردمداران رژیم دورنما را چنان می بینند که نیاز به اکیپ های سرکوب و بالاطبع نیاز به تویوتا بازم افزایش بیشتری می یابد. از این رو طرحی دایر بر نصب نارخانه موتاتژ تویوتا در ایران تهیه شده است. برای اجرای این طرح، امکان تبدیل خط تولید کارخانه ایران ناسیونال بررسی می شود. بدنبال ایجاد اختلال در واردات مواد اولیه برای پیکان، متخصصان ژاپنی برای بررسی جوانب این طرح به تهران آمدند. همین چندی پیش بود که وزیر صنایع سننینه خفته بود که صنایع ما باید به صنایع چینی بدل شود. و البته بررسی طرح تبدیل تولیدات ایران ناسیونال به تویوتا در راستای این سیاست قرار دارد زیرا که تویوتا برای حکومت یک وسیله چینی است، چنان با مردم.

AKSARIYAT
NO 25
MONDAY 24 SEPT 84.

آدرس	آلمان فدرال
Address	POSTFACH 23007 6500 MAINZ 23 W. GERMANY
انگلستان	
Address	P.O. BOX 101 LONDON N17 6YU ENGLAND
ایالات متحده	
Address	P.O. BOX 66156 LOS ANGELES, CA 90066 USA
ایتالیا	
Address	C.P. 3125 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY
هندوستان	
Address	P.O. BOX NO 3018 NEW DELHI - 110003 INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!